



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مرکز تحقیقات اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی



۱۶

رام است میرالمومنین و بر سر و

— آیت الله العظمیٰ حسین میلانی —

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امامت امیرالمؤمنین علیه السلام در سنجش خرد

نویسنده:

السید علی الحسینی الميلانی

ناشر چاپی:

الحقایق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	امامت امیرالمؤمنین علیه السلام در سنجش خرد
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	سرآغاز
۸	پیش گفتار
۹	بخش یکم: ویژگی های امام
۱۰	ویژگی های پذیرفته شده برای امام
۱۰	اشاره
۱۰	۱. علم و دانش
۱۰	۲. شجاعت و دلیری
۱۰	۳. عدالت و دادگری
۱۱	نمونه ای از دیدگاه دانشمندان اهل سنت
۱۲	بررسی عقلی این دیدگاه
۱۳	بخش دوم: ویژگی های امیر مؤمنان علی (علیه السلام)
۱۳	یکم. علم و دانش
۱۳	اشاره
۱۳	ویژگی های علمی علی علیه السلام از دیدگاه پیامبر خدا صلی الله علیه وآله
۱۳	۱. دروازه دانش نبوی
۱۵	۲. در خانه حکمت
۱۶	۳. بیان موارد اختلافی
۱۷	۴. گوش شنوا
۱۷	۵. بهترین داور

- ۱۸ نیاز نداشتن حضرت علی علیه السلام به هیچ یک از اصحاب
- ۱۹ سخنان اصحاب در مقام علمی امیر مؤمنان علی علیه السلام
- ۱۹ اشاره
- ۲۰ ۱ . نگاهی به علم و دانش ابوبکر!
- ۲۰ ۲ . اعتراف عمر
- ۲۰ ۳ . علم و دانش عثمان و دیگران!
- ۲۱ ۴ . اعتراف معروف عمر
- ۲۴ دوم. شجاعت و دلیری
- ۲۵ سوم. عدالت و دادگری
- ۲۶ دیدگاه ابن تیمیّه
- ۲۸ چکیده سخن
- ۲۸ سخن پایانی، ترجیح مفضول بر فاضل!
- ۳۰ کتاب نامه
- ۳۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امامت امیرالمؤمنین علیه السلام در سنجش خرد

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی ۱۳۲۶ -

عنوان و نام پدیدآور: امامت امیرالمؤمنین علیه السلام در سنجش خرد / علی حسینی میلانی.

مشخصات نشر: قم:

مرکز حقایق اسلامی ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۷۸ص.

فروست: ؛ ۱۶.

مرکز حقایق اسلامی؛ ۱۰۹. سلسله پژوهشهای اعتقادی؛ ۱۶.

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۳۴۸ - ۱۳ - ۲

وضعیت فهرست نویسی: برون‌سپاری. یادداشت: ص.ع به انگلیسی: Imamate of the commander of the faithful

....

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. - فضایل

شناسه افزوده:

مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: ۴ / BP۳۷ / ح ۵الف ۶۷۸ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۵۹۴۲۸

مقدمه

سرآغاز

سلسله پژوهش های اعتقادی (۱۶) امامت امیرالمؤمنین علیه السلام در سنجش خرد آیت الله سید علی حسینی میلانی بسم الله

الرحمن الرحیم سرآغاز

... آخرین و کامل ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و

رسالت پیام رسانان الهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از

یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس

از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین

مورد پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند. دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه و آله، با توطئه‌هایی از پیش مهیا شده - مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را - که همچون آفتاب جهان تاب بود - پشت ابرهای سیاه شک و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرُزبار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف الدین، امینی و... همچون ستارگانی پر فروز می درخشد چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ‌گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندان که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظم له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد. امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیه الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد. مرکز حقایق اسلامی

پیش گفتار

امامت امیرالمؤمنین علیه السلام در سنجش خرد بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين المعصومين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين
پیش گفتار

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می فرماید:

(أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟) ۱

آیا کسی که به حق هدایت می کند برای پیروی شایسته تر است یا آن کس که هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می شود؟ چگونه داوری می کنید؟

واژه «حق» در لغت عرب به معنای پایداری و استوار بودن است. منظور از این فراز آیه که می فرماید: (أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ؟) آیا کسی که به حق هدایت می کند این است که آیا کسی که شما را به امور پایدار قطعی و یقینی راهنمایی می کند و به حقیقت و واقعیت رهنمون می سازد برای پیروی شایسته تر است یا آن کسی که هدایت نمی شود مگر هدایتش کنید؟

خداوند متعال در این آیه ما را به یک قاعده عقلی راهنمایی می کند. قاعده‌ای که در نزد همه عقلای مسلمان و غیر مسلمان

پذیرفته شده است که اگر گروهی بخواهند به واقعیتی برسند و یا حقیقتی از حقایق دنیا برای آن‌ها کشف و ظاهر شود، به کسی مراجعه می‌کنند که به آن واقعیت آگاهی کامل داشته باشد تا آن‌ها را به آن حقیقت برساند. اما کسی که به حقیقت و واقعیت امر آگاهی ندارد، چگونه می‌تواند دیگران را هدایت کرده و از واقع امر باخبر سازد؟!

بنابراین انسان بایستی در برخی از حقایق و واقعیت‌ها به یقین و علم برسد و گمان به تنهایی کفایت نمی‌کند و حتی نمی‌توان درباره آن‌ها به نظریات دیگران اکتفا کرد؛ بلکه باید برای خود انسان یقین به آن حقیقت حاصل شود.

از این رو عالمان شیعه و سنی فتوا داده‌اند که در اعتقادات و اصول دین واجب است که انسان خود به یقین برسد و گمان کردن و تقلید از دیگران در عقیده کافی نیست. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

(إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا) ۲

به راستی که گمان، انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌کند و به حق نمی‌رساند.

این یک قاعده عقلی است که مورد اتفاق تمام انسان‌هاست و قرآن مجید نیز به این قاعده تذکر داده و ما را به آن راهنمایی می‌کند. حال اگر بخواهیم در موضوعی، از میان دو نفر یکی را برگزینیم که یکی از آن‌ها عالم و داناست و می‌تواند دیگران را به عقاید صحیح و سالم هدایت کرده و حقیقت را برای آن‌ها آشکار سازد و دیگری شخصی است که خود نیاز دارد که کسی او را هدایت کند و دستش را بگیرد تا گمراه نشود. در این جا شما چگونه داوری می‌کنید؟ اگر ما بخواهیم به واقع برسیم و حقیقت برای ما روشن و واضح شود به کدام یک از آنان مراجعه می‌کنیم؟ آیا حاضر می‌شویم برای یادگیری اعتقادات صحیح به سراغ شخصی که خود به هدایت و یادگیری نیاز دارد برویم؟

ما معتقدیم که امامت از اموری است که خدا باید آن را تعیین کند و مردم نقشی در این امر مهم ندارند و همان گونه که نبوت منصبی است که خدا باید آن را مشخص کند؛ امامت نیز چنین است و میان امامت و نبوت در این جهت فرقی نیست.

بنابراین ما در شناخت امام به سندی محکم و یا دلیل‌های واضح و روشنی نیاز داریم که بیان‌کننده رهبر و پیشوای مردم این شخص است؛ چرا که او خود هدایت یافته و هدایت‌گر است.

هم چنین اگر بر معصوم بودن شخصی و یا اشخاصی دلیل آورده شود، با وجود ملکه عصمت در وجود یک انسان، عقل به ما اجازه نمی‌دهد که به غیر او مراجعه کرده و هدایت‌یابیم. از این رو گفته‌اند که امامت یا باید با سندی محکم و یا با دلیلی عقلی اثبات شود و سند محکم نیز یا قرآن است و یا سنت قطعی.

آخرین دلیل لفظی که در این باره مطرح شده حدیث منزلت است که از سه جهت بر امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام دلالت می‌کند. این حدیث افزون بر سند قطعی بودن بر امامت آن حضرت، دلیل واضح و روشنی بر معصوم بودن و برتری آن حضرت از دیگر صحابه رسول خدا است. ۳

کتابی که فرا روی شماست نگاهی عقلی به مسأله امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام دارد که با دلیل عقلی امامت آن حضرت را اثبات می‌نماید. این پژوهش در دو بخش تنظیم شده است:

۱. ویژگی‌های امام؛

۲. ویژگی‌های امیر مؤمنان علی علیه السلام.

سید علی حسینی میلانی ۱. سوره یونس: آیه ۳۵.

۲. سوره یونس: آیه ۳۶ و سوره نجم: آیه ۲۸.

۳. برای آگاهی بیشتر ر.ک: نگاهی به حدیث منزلت از همین نگارنده.

ویژگی های پذیرفته شده برای امام

اشاره

اهل سنت کتاب هایی را در علم عقاید و کلام نوشته اند؛ کتاب هایی هم چون: *المواقف فی علم الکلام* تألیف قاضی ایجی، شرح *المواقف* نگارش شریف جرجانی، شرح *قوشچی بر التجرید*، شرح *المقاصد* تألیف سعدالدین تفتازانی، شرح *العقائد النسفیة* و دیگر کتاب های مهم اعتقادی.

آنان در این کتاب ها بحث هایی را درباره امام مطرح و فصل هایی را بیان کرده اند. از فصل های مطرح شده در این کتاب ها انتخاب امام است که انتخاب امام به اختیار مردم است و خداوند متعال در این امر نقشی ندارد. این دیدگاه با اعتقاد شیعه امامیه مخالفت دارد.

آنان در فصل دیگر، شروطی را در امام لازم می دانند و می گویند: کسی را که مردم برای رهبری جامعه انتخاب می کنند باید دارای تمام این شروط باشد تا برای این امر مهم از سوی مردم برگزیده شود، آن گاه شروط و اوصافی را برای امام بیان کرده اند و آن ها را به دو بخش تقسیم نموده اند:

۱. شروطی که تمام علما آن ها را قبول دارند؛

۲. شروطی که مورد اختلاف میان علما است.

در این نوشتار شرط هایی را که اهل سنت در تعیین امام بیان کرده اند بررسی می کنیم تا ببینیم آن ویژگی های لازم برای جانشینی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله در چه کسی وجود داشته است.

البته ما در این بررسی از روش شیعیان در تعیین امام چشم پوشی می نماییم و بنا بر همان روش اهل سنت درباره این ویژگی ها گفت و گو کرده و با دقت آن ها را بررسی می نماییم.

۱. علم و دانش

۱. علم و دانش

نخستین شرطی که اهل سنت در امام لازم می دانند علم و دانش اوست؛ یعنی باید امام به اصول و فروع دین آگاهی کامل داشته باشد، به گونه ای که بتواند برای حقایق این دین، دلیل و برهان بیاورد. اگر شبهه ای وارد کردند قدرت فکری او باید به اندازه ای باشد که بتواند در برابر شبهه ها و اشکال هایی که از ناحیه مخالفان مطرح می شود، ایستادگی کرده و آن ها را برطرف کند.

۲. شجاعت و دلیری

۲. شجاعت و دلیری

دومین شرطی که اهل سنت در امام لازم می دانند، شجاعت و دلیری است.

امام باید به گونه ای شجاع باشد که بتواند در تمام جنگ ها حاضر شود و لشکر اسلام را برای نبرد با دشمن آماده کند و در صورت حمله دشمن، نه تنها جبهه جنگ را ترک نکند؛ بلکه با تمام قدرت در برابر حمله آن ها بایستد و از حریم دین و جماعت مسلمانان دفاع کند.

۳. عدالت و دادگری

۳. عدالت و دادگری

سومین شرط در امام، عدالت است؛ یعنی امام باید در راه و روش و زندگی کردن با مردم، عدالت داشته باشد. در جایی که می‌خواهد بین مسلمانان داوری کند، به عدالت قضاوت کند، بیت المال را میان مسلمانان عادلانه تقسیم نماید و در تمام کارهای شخصی و اموری که مربوط به همه مسلمانان می‌شود عدالت را رعایت کند.

تمام دانشمندان اهل سنت در کتاب‌های خود این سه شرط را برای امام آورده‌اند و بنا بر دیدگاه آن‌ها کسی که به انتخاب مردم به مقام امامت می‌رسد بایستی آن‌ها را دارا باشد.

نمونه‌ای از دیدگاه دانشمندان اهل سنت

نمونه‌ای از دیدگاه دانشمندان اهل سنت

برای آگاهی از دیدگاه دانشمندان اهل سنت به نمونه‌ای اشاره می‌نماییم. در کتاب *المواقف فی علم الکلام و شرح المواقف* که مهم‌ترین کتاب در علم کلام در میان اهل سنت است، چنین آمده است:

مقصد دوم: شروط امامت.

تمام عالمان بر این اعتقادند که فردی برای امامت و رهبری مردم شایستگی دارد که در اصول و فروع دین به مقام اجتهاد رسیده و در دین مجتهد باشد تا مسائل و امور دین را بیان کند و در برابر شبهاتی که در دین وارد می‌شود بایستد و با دلیل و برهان آن‌ها را پاسخ داده و از دین خود دفاع کند.

امام بایستی در امور و مسائل اختلافی که به او رجوع می‌شود چنان قدرتی داشته باشد که با یک فتوا و یا حکم، اختلاف میان مسلمانان را برطرف کرده و نظام جامعه را در اختیار خود بگیرد؛ چرا که از مهم‌ترین اهداف امامت همین مسأله است که در مرحله نخست اعتقادات دینی را با قدرت علمی خود حفظ کند و برای حلّ شبهه‌ها، دلیل و برهان کافی در اختیار داشته باشد و در مرحله دوم اختلافات و دشمنی‌های میان مسلمانان را با درایت کامل از میان بردارد و در قضاوت کردن بین آن‌ها عدالت را رعایت کند.

این شرطی است که هرگز امامت بدون آن کامل نمی‌شود»^۱.

بنابراین با توجه به این بیان، امام بایستی دارای دو شرط باشد:

۱. علم؛

۲. شجاعت.

البته در جای دیگر در کتاب *المواقف و شرح المواقف* چنین آمده است:

«در مقابل گفته مشهور، عده‌ای گفته‌اند: این اوصاف لازم نیست در امام جمع باشد؛ زیرا که هم اکنون کسی نیست که صاحب همه این ویژگی‌ها باشد».

گفتنی است که این کتاب در قرن هفتم یا هشتم هجری نوشته شده است. در میان کسانی که در آن زمان حکومت می‌کردند این صفات جمع نبوده است. از این رو اهل سنت باید این شرط‌ها را در امام لازم ندانند و به امامت نادان و ترسو حتی گناه کار و آلوده عقیده داشته باشند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، آنان سومین شرط امامت را عدالت و دادگری برشمرده‌اند. صاحب *المواقف* درباره این شرط می‌نویسد:

آری، لازم است امام عادل باشد تا به مردم ستم نکند؛ چرا که همانا شخص فاسق، گاهی اموال مسلمانان را در اهداف شخصی خود خرج می‌کند و با این عمل، حقّ دیگران از بین می‌رود. پس این ویژگی‌ها در امام معتبر و مورد اتفاق است.

آن‌گاه چنین می‌گوید:

- در این جا ویژگی های دیگری نیز مطرح شده است، اما در این که از شروط امامت هستند یا نه در میان علما اختلاف شده است. ۲.
۱. شرح المواقف: ۸ / ۳۴۹.
۲. همان.

بررسی عقلی این دیدگاه

بررسی عقلی این دیدگاه

ما با اهل سنت با این دیدگاه بحث می کنیم که از نظر عقلی این سه شرط را در امام لازم بدانیم. از طرفی فرض می کنیم که انتخاب امام، با رأی و اختیار مردم صورت می گیرد، از این رو تنها اختلاف ما درباره امام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است، چرا که ما می گوئیم امام پس از پیامبر، علی بن ابی طالب علیهما السلام است و آنان به امامت ابوبکر عقیده دارند. اکنون سخن در این است که ویژگی هایی را که همه اهل سنت در امام لازم می دانند و می گویند مردم باید کسی را انتخاب کنند که هر سه شرط را دارا باشد، آیا این ویژگی ها در علی بن ابی طالب نیز بوده است، یا به ابوبکر اختصاص دارد؟ البته ما در این جا با چشم پوشی از کتاب و سنت بحث می کنیم زیرا قرآن، سنت پیامبر و دلیل های دیگر، بیان گر امامت علی بن ابی طالب علیهما السلام بوده و آن را به اثبات می رسانند.

عقل می گوید: سرپرست و راهنمای یک جمعیت و جانشین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باید همه این ویژگی ها را دارا باشد، ما نیز همانند اهل سنت همه این اوصاف را در امام لازم می دانیم، گرچه عصمت امام نیز که مرتبه ای بالاتر از عدالت است در نزد ما معتبر است، ولی در همان ویژگی هایی که آنان قبول دارند بحث کرده و از روش خود چشم پوشی می کنیم. اکنون می گوئیم: اگر این ویژگی هایی که در نزد اهل سنت معتبر است در علی بن ابی طالب جمع باشد، او امام و پیشوا خواهد بود و اگر در فرد دیگری باشد او چنین شایستگی را دارد و اگر این ویژگی ها در هر دو فرد جمع باشد، بررسی می کنیم که کدام یک این ویژگی ها را در بالاترین مرتبه اش داراست تا او را به عنوان امام برگزیده و بر دیگری مقدم کنیم. در غیر این صورت اگر شخصی را که بهتر است، کنار زده و دیگری را بر او مقدم کنیم از نظر عقلی کار قبیحی خواهد بود، با این که قرآن در این باره می فرماید:

(أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي؟) ۱

آیا کسی که به حق هدایت می کند برای پیروی شایسته تر است یا آن کس که هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟
به راستی آیا شخص عالم و آگاه، برای راهنمایی مردم سزاوارتر است یا کسی که نادان و بی خرد است؟
بر فرض این که هر دو رهبر عالم باشند، آیا کسی که آگاه تر است مقدم است یا نه؟
آیا کسی که عادل است شایستگی رهبری مردم را دارد یا کسی که به مردم ظلم روا می دارد؟
آری، ما برای پاسخ این پرسش ها باید به عقل و عقلا رجوع کنیم که سخن ما نیز در همین زمینه است.

اهل سنت می گویند که این ویژگی ها مورد اتفاق دانشمندان است، اما در این که امام، هاشمی و یا قریشی باشد، معصوم و یا آزاد باشد، اختلاف وجود دارد. گرچه آنان حدیثی را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می دهند که آن حضرت به پیروی از کسی که بر مسلمانان ولایت دارد امر کرده است هر چند آن حاکم، برده باشد.

ویژگی عصمت را نیز شیعیان معتقدند، ولی دیگران لازم نمی دانند و در دیگر صفات نیز اختلاف شده است، همان گونه که گفتیم اهل سنت فقط درباره سه ویژگی اتفاق نظر دارند: علم، شجاعت و عدالت که محور پژوهش ما بر این ویژگی ها می چرخد. ۱.

سوره یونس: آیه ۳۵.

بخش دوم: ویژگی های امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

یکم. علم و دانش

اشاره

پیش تر گفتیم که نخستین شرطی که همه دانشمندان اهل سنت در امام لازم می دانند علم و دانش اوست. ما در این بخش سیره و زندگی امیر مؤمنان علی علیه السلام و ابوبکر و آن چه را که درباره حضرت علی علیه السلام و ابوبکر گفته شده است بررسی می کنیم تا روشن شود جایگاه علمی علی علیه السلام و ابوبکر کجاست و رسول خدا صلی الله علیه و آله، اصحاب پیامبر و دیگر اندیشمندان اسلامی درباره علی بن ابی طالب علیهما السلام و ابوبکر چه گفته اند. البته ما هرگز به گفته های آن دو درباره خودشان نظر نداریم که امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند:

عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ يَفْتَحُ لِي مِنْ كُلِّ بَابٍ أَلْفَ رُجُلٍ
رسول خدا صلی الله علیه و آله هزار نکته علمی را برای من روشن ساختند که از هر نکته و حقیقت آن هزار حقیقت دیگر گشوده می شود.

چرا که فرض ما این است که این حدیث از شخص علی علیه السلام نقل شده است. در روایت دیگری آمده که حضرت علی علیه السلام بارها می فرمود:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقَدُونِي ۲۱

پیش از این که از میان شما بروم از من پرسید.

و حال آن که هرگز ابوبکر در طول زندگی خویش چنین جمله ای را به زبان نیاورده است.

ما گرچه در جای خود درباره این روایات که اهل سنت نیز نقل کرده اند بحث خواهیم کرد، ولی هم اکنون سخنان دیگران را درباره حضرت علی علیه السلام و ابوبکر بررسی می کنیم تا پس از آن بتوانیم هر کدام را که شایسته تر است برای امر امامت و رهبری مردم انتخاب کنیم. ۱. کتالعمال: ۱۳ / ۱۱۴، حدیث ۳۶۳۷۲ و ص ۱۶۵، حدیث ۳۶۵۰۰.

۲. این حدیث را احمد بن حنبل در کتاب فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام و ابن سعد، ابن عبدالبرّ و دیگران نقل کرده اند: ر.ک: الاستیعاب: ۳ / ۱۱۰۳، الریاض النضره: ۲ / ۱۶۶ و ۱۶۷، الصواعق المحرقة: ۱۹۶.

ویژگی های علمی علی علیه السلام از دیدگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

۱. دروازه دانش نبوی

ویژگی های علمی علی علیه السلام از دیدگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

۱. دروازه دانش نبوی

اکنون درباره نخستین شرطی که در امام لازم است بحث می کنیم که همان علم و قدرت کافی برای استدلال کردن و دلیل و برهان آوردن است.

حال باید دید این شرط مهم و اساسی برای امامت، در چه کسی وجود داشته است و اخبار و احادیثی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده، این فضیلت را برای کدام یک از اصحاب خود ثابت کرده است.

تمام دانشمندان اهل سنت در کتاب های خود این حدیث شریف را از رسول خدا صلی الله علیه وآله آورده اند که ایشان فرمودند:

أنا مدينة العلم وعليّ بابها؛

من شهر علم و دانش هستم و علی دروازه آن است.

ما نام تمامی کسانی که این حدیث را در کتاب هایشان آورده اند ذکر می کنیم:

۱. عبدالرزاق بن همام صنعانی؛

۲. یحیی بن معین. کسی که پیشوا در علم رجال و خدشه نمودن در اسناد حدیث است زولی با این وجود، این حدیث را رد نکرده

و آن را صحیح دانسته است؛

۳. احمد بن حنبل؛

۴. ترمذی؛

۵. ابوبکر بزار؛

۶. محمد بن جریر طبری؛

۷. طبرانی؛

۸. ابوالشیخ؛

۹. ابن سقا واسطی؛

۱۰. ابن شاهین؛

۱۱. حاکم نیشابوری؛

۱۲. ابن مردویه؛

۱۳. ابونعیم اصفهانی؛

۱۴. ماوردی؛

۱۵. خطیب بغدادی؛

۱۶. ابن عبدالبر؛

۱۷. سمعانی؛

۱۸. ابن عساکر؛

۱۹. ابن اثیر جزری؛

۲۰. ابن نجار؛

۲۱. جلال الدین سیوطی؛

۲۲. قسطلانی؛

۲۳. ابن حجر مکی؛

۲۴. متقی هندی؛

۲۵. ملا علی قاری؛

۲۶. منّاوی؛

۲۷. زرقانی؛

۲۸. شاه ولی الله دهلوی.

همه اینان و عالمانی دیگر در کتاب هایشان روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه وآله در شأن و منزلت علی علیه السلام چنین فرمود:

أنا مدينة العلم وعلي بابها؛

من شهر علم و دانش هستم و علی دروازه آن است.

حال که این فضیلت برای حضرت علی علیه السلام ثابت شد، این سؤال مطرح می شود که آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برای غیر امیر مؤمنان علیه السلام نیز چنین سخنی فرموده است یا نه؟ ۱. تهذیب الآثار، مسند الإمام علی علیه السلام: ۱۰۵، حدیث ۱۷۳، سنن ترمذی. آن سان که در جامع الأصول: ۸ / ۶۵۷ و تاریخ الخلفاء سیوطی: ۱۳۵ و دیگر منابع آمده است. المعجم الكبير: ۱۱ / ۶۵، حدیث ۱۱۰۶۱، تاریخ بغداد: ۴ / ۳۴۸، ۷ / ۱۷۲، ۱۱ / ۲۰۴، الاستیعاب: ۳ / ۱۱۰۲، فردوس الأخبار: ۱ / ۷۶، أسد الغابه: ۴ / ۲۲، الرياض النضرة: ۲ / ۱۵۹، تهذیب الکمال: ۲۰ / ۴۸۵، تاریخ جرجان: ۶۵، تذکره الحفاظ: ۴ / ۱۲۳۱، البداية والنهاية: ۷ / ۳۵۸، مجمع الزوائد: ۹ / ۱۱۴، اتحاف السادة المتقين: ۶ / ۲۲۴، المستدرک علی الصحیحین: ۳ / ۱۲۶ و ۱۲۷، ترجمه الإمام علی علیه السلام من تاریخ مدینه دمشق: ۲ / ۴۶۴، حدیث ۹۸۴، الجامع الصغير: ۱ / ۴۱۵، حدیث ۲۷۰۵، الصواعق المحرقة: ۱۸۹، کنز العمال: ۱۱ / ۶۱۴ حدیث ۳۲۹۷۸ و ۳۲۹۷۹، فیض القدير: ۳ / ۴۶.

۲. در خانه حکمت

۲. در خانه حکمت

یکی دیگر از سخنانی که رسول خدا صلی الله علیه وآله در حق علی بن ابی طالب علیهما السلام فرمودند این است که:

أنا دار الحكمة وعلي بابها؛

من خانه حکمت هستم و علی در آن خانه است.

این حدیث را نیز بیشتر دانشمندان عامه نقل کرده اند از جمله:

۱. احمد بن حنبل؛

۲. ترمذی؛

۳. محمد بن جریر طبری؛

۴. حاکم نیشابوری؛

۵. ابن مردویه؛

۶. ابونعیم اصفهانی؛

۷. خطیب تبریزی؛

۸. علائی؛

۹. فیروزآبادی؛

۱۰. ابن جزری؛

۱۱. ابن حجر عسقلانی؛

۱۲. جلال الدین سیوطی؛

۱۳. قسطلانی؛

۱۴. صالحی دمشقی؛

۱۵. ابن حجر مکی؛

۱۶. متقی هندی؛

۱۷. منّاوی؛

۱۸. زرقانی؛

۱۹. ولی الله دهلوی و دیگران.

همه اینان روایت کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در حق امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

أنا دار الحکمة وعلی بابها؛

من خانه حکمت هستم و علی در آن خانه است.

پس از نقل این دو حدیث شریف از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و اتفاق نظر تمام عالمان اهل سنت بر صحت آن، می گوییم: اگر رسول خدا صلی الله علیه وآله در حق علی بن ابی طالب علیه السلام چنین سخنی فرموده است، پس چه کسی شایسته مقام امامت است؟

آیا امیر مؤمنان علی علیه السلام توانایی دارد که برای حقانیت دین اسلام و دفع شبهات دلیل و برهان بیاورد یا کسی که در حق او چنین فضیلتی بیان نشده است؟ ۱. فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام: ۱۳۸ حدیث ۲۰۳، سنن ترمذی: ۶ / ۸۵، تهذیب الآثار «مسند علی علیه السلام»: ۱۰۴ حدیث ۸، حلیة الأولیاء: ۱ / ۶۴، مشکاة المصابیح: ۲ / ۵۰۴ حدیث ۶۰۹۶، أسنی المطالب: ۷۰، الریاض النضرة: ۲ / ۱۵۹، شرح المواهب اللدنیة: ۳ / ۱۲۹، الجامع الصغیر: ۱ / ۴۱۵ حدیث ۲۷۰۴، الصواعق المحرقة: ۱۸۹، کنز العمال: ۱۱ / ۶۰۰ حدیث ۳۲۸۸۹ و ۱۳ / ۱۴۷ حدیث ۳۶۴۶۲، فیض القدر: ۳ / ۴۶.

۳. بیان موارد اختلافی

۳. بیان موارد اختلافی

یکی دیگر از احادیثی که بر توان علمی امیر مؤمنان علی علیه السلام دلالت بیشتری دارد فرمایش رسول خدا صلی الله علیه وآله به آن حضرت است که فرمود:

أنت تبین لأمتی ما اختلفوا فیہ من بعدی؛

تو پس از من هر آن چه امت در آن اختلاف دارند واضح و آشکار می سازی.

با توجه به این حدیث، رسول خدا صلی الله علیه وآله علی علیه السلام را حاکم و قاضی در هر اختلافی بین امت قرار داده است؛ خواه آن اختلاف مربوط به امور دنیایی باشد و یا اختلاف هایی که در حوزه دین مطرح می شود. در تمامی این اختلاف ها، حاکم و برطرف کننده آن ها از میان امت، علی علیه السلام است.

این حدیث را نیز عده بسیاری از اهل سنت نقل کرده اند؛ از جمله:

۱. حاکم نیشابوری که این حدیث را صحیح دانسته است؛

۲. ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق؛

۳. دیلمی؛

۴. جلال الدین سیوطی؛

۵. متقی هندی؛

۶. منّاوی.

گروه دیگری نیز این حدیث را روایت کرده اند ۱ که چنین حدیثی در حق هیچ یک از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله بیان نشده است. ۱. المستدرک علی الصحیحین: ۳ / ۱۲۲، ترجمه الامام علی علیه السلام من تاریخ مدینه دمشق: ۲ / ۴۸۷ و ۴۸۸، حدیث ۱۰۰۷، ۱۰۰۸ و ۱۰۰۹، کنز العمال: ۱ / ۶۱۵، حدیث ۳۲۹۸۳، حلیه الاولیاء: ۱ / ۶۴.

۴. گوش شنوا

۴. گوش شنوا

در روایتی آمده است: زمانی که آیه (وَتَعِيَهَا أذُنٌ وَاعِيَةٌ) ۱ «و گوش های شنوا آن را دریابد و بفهمد» نازل شد، دیدیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

أَنْ عَلِيًّا هُوَ الْأُذُنُ الْوَاعِيَةُ

به راستی که علی همان گوش شنوایی است که آن را به خاطر می سپارد.

پس قلب مقدس امیر مؤمنان علی علیه السلام ظرف است برای آن چه از طرف خداوند متعال نازل می شود و ایشان، همان کسی است که تمام حقایق جهان هستی را به خاطر می سپارد و حامل علم رسول خدا صلی الله علیه وآله خواهد بود. این حدیث را می توان در کتاب های ذیل جست و جو کرد:

۱. تفسیر طبری

۲. تفسیر الکشاف

۳. تفسیر رازی

۴. تفسیر الدر المنثور.

جلال الدین سیوطی در همین کتاب، این حدیث را از سعید بن منصور، ابن جریر، ابن منذر، ابن ابی حاتم، ابن مردویه، ابن عساکر، واحدی و ابن نجار روایت کرده است.

۵. حلیه الاولیاء

۶. مجمع الزوائد و کتاب های دیگر.

۱. سوره حاقه: آیه ۱۲.

۲. تفسیر طبری: ۲۹ / ۳۵ و ۳۶، تفسیر الکشاف: ۴ / ۱۵۱، تفسیر فخر رازی: ۳۰ / ۱۰۷، تفسیر الدر المنثور: ۸ / ۲۶۷، مجمع الزوائد: ۱

۱۳۱ / حلیه الاولیاء: ۱ / ۶۷، نظم درر السمطين: ۹۲، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۷ / ۲۲۰، کنز العمال: ۱۲ / ۱۳۵ حدیث ۳۶۴۲۶۹.

۵. بهترین داور

۵. بهترین داور

رسول خدا صلی الله علیه وآله در حدیثی دیگر فرمودند:

أَقْضَاكُمْ عَلِيٌّ

بهترین شما در امر قضاوت و داوری علی است.

همان طور که صاحب شرح المواقف گفت علت نیاز ما به امام این است که در همه اختلافات، درگیری ها و مشکلات باید به

کسی رجوع کنیم که اختلاف را از بین مردم بردارد و با عدالت در میان آنان داوری کند. در این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

أقضاکم علی؛

بهترین شما در امر قضاوت و داوری علی است.

چنین سخنی جز برای امیر مؤمنان علی علیه السلام، در حق هیچ یک از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته نشده است. این حدیث در این کتاب ها آمده است:

۱. صحیح بخاری؛

۲. مسند احمد بن حنبل؛

۳. المستدرک علی الصحیحین؛

۴. سنن ابن ماجه؛

۵. الطبقات الکبری؛

۶. الإستیعاب؛

۷. السنن الکبری؛

۸. مجمع الزوائد؛

۹. حلیة الأولیاء؛

۱۰. أسد الغابه؛

۱۱. الرياض النضرة و کتاب های دیگر.

حال گناه ما چیست اگر بگوییم تنها کسی که برای امامت و رهبری مردم صلاحیت دارد علی بن ابی طالب علیهما السلام است؛ حتی اگر این امر به مردم هم واگذار شود و آن ها بخواهند کسی را برای امامت و پیشوایی انتخاب کنند باید امیرالمؤمنین علیه السلام را برگزینند؛ چرا که ضابطه هایی که اهل سنت در علم کلام مطرح کرده اند و آن ها را در امام لازم و واجب می دانند در هیچ انسانی جز فرزند ابی طالب پیدا نمی شود.

آن چه تا کنون به اختصار بیان شد سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره جایگاه و مقام علمی امیر مؤمنان علی علیه السلام بود. از این سخنان استفاده می شود که آن کسی که می تواند در دفاع از آیین نورانی اسلام دلیل و برهان بیاورد و شبهه های مطرح شده را دفع کند علی بن ابی طالب علیهما السلام است و اوست که از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله در همه اختلاف ها و درگیری ها مرجع قرار داده شده و تنها کسی است که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله با علم و دانش سرشارش اختلاف ها را از میان برمی دارد.

نیاز نداشتن حضرت علی علیه السلام به هیچ یک از اصحاب

نیاز نداشتن حضرت علی علیه السلام به هیچ یک از اصحاب

همان گونه که نَووی تصریح کرد، همه بزرگان از اصحاب در مشکلات علمی به علی بن ابی طالب علیهما السلام رجوع می کردند و آن حضرت به هیچ یک از آن ها مراجعه نکرده است. موارد بسیاری را نیز ابن حزم اندلسی در گفتاری طولانی ذکر کرده که جهل و نادانی بزرگان صحابه در مسائل و احکام دین و رجوع آن ها برای حلّ مشکل به دیگران از آن جمله است. در این گفتار طولانی ابن حزم، حتی یک مورد نیز وجود ندارد که بگوید علی بن ابی طالب علیهما السلام به یکی از افراد امت مراجعه کرده

است.

ابن حزم می‌گوید: ما در کتاب‌ها این‌گونه یافتیم که بزرگان از اصحاب اقرار و اعتراف کرده‌اند که بسیاری از احکام و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن‌ها نرسیده است. حدیثی که از ابوهریره در این باره رسیده مشهور است که می‌گوید: «برادران مهاجر من در بازارها برای جلب مشتری دست روی دست می‌زدند و برادران انصاری من نیز سرگرم نگهداری از ثروت‌ها و دارایی‌های خود بودند»، در حالی که نه بازار علی علیه السلام را به خود مشغول کرده بود و نه به اموال و دارایی‌هایش فکر می‌کرد بلکه او روز و شب فقط ملازم رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

سخنان اصحاب در مقام علمی امیر مؤمنان علی علیه السلام

اشاره

اصحاب درباره مقام علمی امیر مؤمنان علی علیه السلام سخنان بسیاری گفته‌اند. ما فقط سخن یکی از بزرگان اصحاب را در شرح حال آن حضرت می‌آوریم که این کلام شامل شهادت بزرگان صحابه رسول خدا و تابعین در عظمت علمی امیرالمؤمنین علیه السلام است.

حافظ نووی در کتاب تهذیب الاسماء واللغات در توصیف امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌گوید:

او یکی از عالمان ربّانی، دلاوران مشهور و عابدان مورد توجه مردم بود. او نخستین کسی بود که اسلام آورد.

تا آن‌جا که گوید: علم و دانش او در بالاترین درجات علمی است؛ چرا که او پانصد و هشتاد و شش حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که بخاری و مسلم بر بیست حدیث از آن‌ها اتفاق نظر دارند. بخاری بر نه حدیث و مسلم بر پانزده حدیث نظر صحیح دارد.

سه فرزند حضرت علی علیه السلام، حسن، حسین و محمّد بن حنفیه از او روایت کرده‌اند. هم‌چنین ابن مسعود، ابن عمر، ابن عباس، ابوموسی، عبدالله بن جعفر، عبدالله بن زبیر، ابوسعید، زید بن ارقم، جابر بن عبدالله و جمعی دیگر از تابعان شناخته شده از او حدیث روایت کرده‌اند.

در روایتی از ابن مسعود نقل شده که گوید: ما از بهترین قاضی و حاکم مدینه، علی بن ابی طالب حدیث نقل می‌کنیم.

ابن مسیب می‌گوید: هیچ انسانی پیدا نشد که این جمله از دهان او خارج شود و بگوید: «سلونی قبل أن تفقدونی» پیش از این که از میان شما بروم از هر چه می‌خواهید از من بپرسید» جز علی بن ابی طالب.

ابن عباس گوید: به علی بن ابی طالب علیهما السلام نه درجه از ده درجه علم و دانش اعطا شده است و به خدا سوگند که در آن یک درجه دیگر نیز او با دیگران شریک است.

وی می‌افزاید: اگر چیزی از طرف علی بن ابی طالب برای ما روشن و ثابت می‌شد، دیگر به غیر او مراجعه نمی‌کردیم.

آن‌گاه نووی می‌گوید: پرسش بزرگان اصحاب - ابوبکر، عمر، عثمان و افراد دیگری از عشره مبشره - از علی بن ابی طالب علیهما السلام و مراجعه آن‌ها به دستورات آن حضرت و داوری‌های او در مشکلات پیچیده و موارد بسیاری مشهور بوده و قابل انکار نیست. ۱.

حال که بزرگان از اصحاب در مشکلات علمی به علی علیه السلام رجوع می‌کردند و به دستور او عمل می‌نمودند و حتی یک مرتبه هم دیده نشده که آن حضرت به یکی از آن‌ها نیاز داشته باشد و در امر قضاوت به آن‌ها مراجعه کند؛ عقل ما در این‌جا چه حکمی می‌کند؟ و شما چگونه داوری می‌کنید؟ ۱. تهذیب الاسماء واللغات: ۱ / ۳۴۴ - ۳۴۶.

۱. نگاهی به علم و دانش ابوبکر!

۱. نگاهی به علم و دانش ابوبکر!

ابن حزم در جای دیگر با اشاره به نیاز ابوبکر در حکم شرعی به مغیره بن شعبه می گوید: ابوبکر از مقدار تعیین شده ارث برای مادر بزرگ آگاهی نداشت و محمد بن مسلمه و مغیره بن شعبه او را راهنمایی کردند.

هم چنین همین ابوبکر نمی دانست که کفن رسول خدا صلی الله علیه و آله چه مقدار بود تا این که از دخترش عایشه پرسید!]]
ابن حزم اندلسی موارد دیگری را ذکر می کند که در همه آن ها بزرگان اصحاب به حکم شرعی جاهل بوده و به دیگران مراجعه می کردند.

۲. اعتراف عمر

۲. اعتراف عمر

آن گاه ابن حزم اندلسی می گوید: عمر نیز در موارد بسیاری به جهل و نادانی خود اعتراف می کرد. وی در حدیث استئذان گفت: من این مسأله را نمی دانم چرا که خرید و فروش در بازار مرا به خود مشغول کرد.

هم چنین زمانی که او درباره زن بارداری بر خلاف قانون اسلام، حکم کرد و دیگران او را آگاه کردند، به نادانی خود اعتراف کرد.

هم چنین روزی بی جهت بر عیینة بن حصن خشم نمود و حرّ بن قیس او را متوجه اشتباهش ساخت.
در مورد دیگری عمر و پیش از او ابوبکر از حکم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که امر فرمود یهودیان از دیار و وطن خود دور شوند، نادان بودند.

هم چنین عمر در مسأله طاعون، فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله را نمی دانست تا این که عبدالرحمان عوف به او آموخت.
جالب این که عمر نمی دانست رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز عید فطر و قربان کدام سوره را قرائت می فرمود با این که آن حضرت سال های زیادی این نماز را خوانده بودند از این رو از ابوقاد لثی پرسید و او به عمر قرائت رسول خدا صلی الله علیه و آله را آموخت!]]

ابن حزم اندلسی می افزاید: عمر نمی دانست باید با مجوسیان چگونه رفتار کند تا این که عبدالرحمان او را به فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آنان آگاه کرد.

از طرفی، وی خراج گرفتن از مجوسیان بحرین را که یک حکم مشهور و معروفی بود نمی دانست و فراموش کرده بود و شاید از همین اموال بهره ای نیز برده بود.

عمر، حکم تیمم جنب را نیز فراموش کرده بود و می گفت: هرگز فرد جنب نباید تیمم کند و تا آب پیدا شود نباید نماز بخواند تا این که عمار، حکم تیمم را به او آموخت.

وی می خواست اموال کعبه را تقسیم کند زولی سرگردان بود تا این که اصحاب او را به حقیقت امر آگاه کردند.

۳. علم و دانش عثمان و دیگران!

۳. علم و دانش عثمان و دیگران!

آن گاه ابن حزم اندلسی علم و دانش عثمان و دیگران را مطرح می کند و می گوید: عثمان چنین عمل کرده... و این عایشه است و

این حفصه... و این هم عبدالله بن عمر... و این زید بن ثابت... .

با این وجود حتی در یک مورد هم دیده نشده که ابن حزم در مسأله ای بگوید: «این جا علی بن ابی طالب مسأله را نمی دانست و برای فهم آن به دیگری مراجعه کرده تا به حکم آن آگاه شود». آن چه آوردیم از کتاب الإحکام فی اصول الأحکام بود. ۱۱. الاحکام فی اصول الاحکام: ۲ / ۱۵۱ - ۱۵۳.

۴. اعتراف معروف عمر

۴. اعتراف معروف عمر

از عمر جمله ای به یادگار مانده که گاهی به عنوان مثل از آن استفاده می شود و همه مردم حتی کودکان با جمله او آشنا بوده و یا آن را شنیده اند. آن جمله معروف این است که عمر در موارد مختلفی گفت:

لولا علی لهلک عمر؛

اگر علی نبود هر آینه عمر هلاک می شد.

گاهی عمر به علی علیه السلام چنین می گفت:

لا أبقانی الله لمعضلة لست لها يا أبا الحسن؛

ای اباالحسن! خداوند مرا زنده نگه ندارد در هر امر مشکلی که تو حضور نداشته باشی.

عالمانی از اهل سنت که این سخن عمر را که گفت: «لولا علی لهلک عمر» نقل کرده اند، عبارتند از:

۱. عبدالرزاق بن همام؛

۲. عبد بن حمید؛

۳. ابن المنذر؛

۴. ابن ابی حاتم؛

۵. بیهقی؛

۶. ابن عبدالبر؛

۷. محب طبری؛

۸. متقی هندی در کنز العمال. ۱.

عالمان دیگری هم چون عبدالرزاق صنعانی، بخاری، دارقطنی و دیگر پیشوایان بزرگ اهل سنت گفته اند: در موارد بیشتری عمر این جمله را به زبان جاری کرده که از آن جمله در جریان زن دیوانه ای است که مرتکب زنا شده بود و عمر امر کرد که او را سنگسار کنند. ولی علی بن ابی طالب علیهما السلام از این حکم جلوگیری کرد. ۲. در جاهای دیگر نیز عمر به نادانی خود اقرار کرده که نیاز به ذکر آن موارد نیست. اما برای نمونه سخن منّاوی را در این زمینه می آوریم.

منّاوی حدیث شریفی را نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

علی مع القرآن والقرآن مع علی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض؛

علی با قرآن است و قرآن نیز با علی خواهد بود تا روزی که در قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

وی در شرح این حدیث می گوید: این حدیث از رسول خدا صلی الله علیه وآله وارد شده است.

آن گاه می گوید: احمد بن حنبل چنین نقل کرده که عمر دستور داد زنی را سنگسار کنند. ولی در بین راه علی بن ابی طالب آن

زن را برگرداند و از اجرای این حکم جلوگیری کرد.

وقتی خبر به عمر رسید گفت: علی هیچ کاری را بدون حکمت انجام نمی دهد؛ از این رو شخصی را فرستاد تا مسأله را از او بپرسد. علی بن ابی طالب نیز در پاسخ گفت:

أما سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: «رفع القلم عن ثلاثة: عن المجنون حتى يبرأ وعن الغلام حتى يدرك وعن النائم حتى يستيقظ»^۱

مگر نشنیده ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «تکلیف از سه گروه برداشته شده است: از دیوانه تا زمانی که سلامتی اش را به دست آورد، از کودک تا زمانی که به حد بلوغ برسد و از شخصی که در خواب است تا زمانی که بیدار شود».

عمر بعد از فهمیدن این حکم چنین گفت:

لولا علی لهلك عمر؛

اگر در این قضاوت علی نبود عمر هلاک می شد.

متأوی پس از ذکر این جریان می گوید:

در زمان ابوبکر نیز از این گونه قضاوت ها رخ داد که ابوبکر بدون اطلاع، چنین حکم کرد و علی بن ابی طالب او را از این حکم منع نمود و او تسلیم قضاوت علی بن ابی طالب شد و چنین گفت:

لولا علی لهلك أبو بكر؛^۲

اگر علی نبود هر آینه ابوبکر هلاک می شد.

البته ما نیز در بعضی از کتاب ها موردی را درباره عثمان یافتیم که او نیز به نادانی خود اقرار کرده و گفته است:

لولا علی لهلك عثمان؛^۳

اگر علی نبود هر آینه عثمان هلاک می شد.

بنابراین چه کسی می تواند بر حقاقت این دین، دلیل و برهان بیاورد و شبهه را پاسخ دهد؟

ما هم اکنون در قرن پانزدهم زندگی می کنیم از کجا می توانیم از حالات امیرالمؤمنین علیه السلام و ابوبکر آگاه شویم و بفهمیم کدام یک از آن ها این توان علمی را داشته است تا برای امر امامت و رهبری مردم به او رجوع کنیم؟ می خواهیم - طبق روش اهل سنت - یکی از آن ها را برای امامت برگزینیم.

آیا جز از این راه می توان از این مسأله آگاه شد؟

آیا راه ما جز این است که همه جریان ها و قضیه هایی را که چه در امر قضاوت و چه غیر آن رخ داده است در تاریخ مرور کنیم و از این طریق امام و پیشوای مسلمانان را تشخیص دهیم و ببینیم شرط نخست در امر امامت که مورد اتفاق همه مسلمانان و دانشمندان بوده در چه شخصیتی وجود داشته است؟

این امیرالمؤمنین علیه السلام و این قضایای زندگی اوست. آیا او تنها کسی نبود که علم و دانش وی از همه مردم بیشتر بود؟

آیا در امر قضاوت و داوری بین مردم از همه بهتر حکم نمی کرد؟

آیا این جریان ها و این گفتارها در حق او وارد نشده است؟

آیا دیگران در مشکلات علمی و قضاوت ها از او کمک نمی خواستند؟

آیا حتی یک مورد پیدا می شود که مسأله ای برای او ناشناخته باشد و برای یادگیری به دیگری رجوع کرده باشد؟

کوتاه سخن این که آیا علی بن ابی طالب علیهما السلام بی نیاز از علم و دانش مردم نبود و همه به علم او نیازمند نبودند؟

گسترش علم و دانش به وسیله علی علیه السلام و شاگردان آن حضرت

با نگاه به تاریخ به خوبی می‌توان دریافت که تمام علوم اسلامی به وسیله حضرت علی علیه السلام و شاگردان آن حضرت که همه از بزرگان صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند به شهرهای اسلامی پخش و منتشر می‌شد. ما این مسأله را در جای خود به طور مفصّل بحث کرده ایم؛ چرا که در آن زمان مردم شهرهایی هم چون مدینه، مکه، بصره، کوفه، یمن و شام با اسلام آشنایی داشتند.

با دقت نظر و تحقیقات انجام یافته روشن می‌شود که تمام علمی که به این شهرهای اسلامی منتشر شده تنها به وسیله امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است.

گسترش علم و دانش در شهر مدینه و کوفه بدین جهت است که امیرالمؤمنین علیه السلام عمر گرانبهای خویش را در این دو شهر سپری کرد و مردم آن دو شهر را از علم بی‌کران خویش بهره مند ساخت.

پیش از ورود امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان حکومت ظاهری به کوفه، صحابی بزرگ رسول خدا عبدالله بن مسعود در آن شهر سکونت داشت.

عالم بزرگ شهر شام نیز ابوالدرداء شاگرد عبدالله بن مسعود بود که او نیز از شاگردان امیرالمؤمنین علیه السلام بود.

انتشار علم به شهرهای بصره و مکه نیز توسط عبدالله بن عباس، شاگرد مکتب امیرالمؤمنین علیه السلام انجام یافت و علوم اسلامی در آن شهرها منتشر شد.

سبب نشر علم و دانش به شهر یمن نیز مسافرت های زیادی بود که حضرت علی علیه السلام به آن شهر داشت که نتیجه آن مسلمان شدن قبیله همدان به دست آن حضرت است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فضایل و امتیازهای دیگری نیز دارد که پیش تر آن ها را بیان کردیم؛ از جمله حدیث «أنا مدينة العلم»، «أنا دار الحكمة»، احادیث دیگری از این قبیل، روایت هایی که در تفسیر آیه (وَتَعْلَمُ أُنزُلْنَا وَعِیَّةً) وارد شده، شهادت بزرگان اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و عالمان بزرگ در قرن های مختلف در حق آن حضرت و نشر و پخش علوم و معارف اسلامی به تمامی شهرها و آبادی ها به دست آن بزرگوار؛ همه این امور و شواهد بیان گر این است که تنها مرد میدان علم و دانش و فضیلت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام است و جز او کسی قدم به این میدان نگذاشت. بنا بر این شرط نخست در امر امامت جز در علی بن ابی طالب علیهما السلام در هیچ کس پیدا نمی‌شود.

اما چون همه این شواهد گویای برتری و مقدم بودن حضرت علی علیه السلام بر دیگران است؛ از این رو اهل سنت ناگزیر شده اند که احادیث را تحریف کرده و یا آن ها را تکذیب نمایند و دروغ جلوه دهند.

حال اگر شما به صحیح ترمذی مراجعه کنید، حدیث معروف و مشهوری را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أنا مدينة العلم وعلی بابها؛ من شهر علم هستم و علی دروازه آن شهر است» در آن کتاب نخواهید یافت با این که بسیاری از بزرگان هم چون ابن اثیر جزری، جلال الدین سیوطی، ابن حجر عسقلانی و دیگران این حدیث را نقل کرده و معتبر می‌دانند.

از سوی دیگر ابن تیمیه چاره را در این دیده است که بگوید تمام این احادیث و شواهدی که ذکر شد دروغ و بی اساس است. تا آن جا که گفته است: ابن عباس شاگرد علی نبوده است؛

وی می‌گوید: این که عبدالله بن مسعود علم و دانش را از علی فرا گرفته دروغ است.

او حدیث معروف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را که فرمود: «من شهر علم هستم و علی دروازه آن شهر است» تکذیب کرده است. هم چنین مجبور شده احادیث بسیاری را تکذیب کند که ما به بعضی از آن ها اشاره کردیم.

وی درباره حدیثی که می‌فرماید: «هو الأذن الواعیه؛ آن گوش شنوا علی بن ابی طالب است» می‌گوید: این حدیث به اتفاق اهل

علم و دانش جعلی است و حقیقت ندارد!! [۶]

در حدیث دیگری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أقضاكم علی؛

بهترین شما در امر قضاوت علی بن ابی طالب است.

ابن تیمیه در این باره می گوید: این حدیث دروغ است و هرگز ثابت نشده و فاقد سندهایی است که بتوان بر آن استدلال کرد و هیچ کس این حدیث را در سنن های مشهور و مسندهای معروف حتی به سند ضعیف روایت نکرده است. ۷. در حالی که ما گفتیم این حدیث در صحیح بخاری، سنن نسائی و سنن ابن ماجه، الطبقات الکبری، مسند احمد و کتاب های دیگر آمده است.

از طرفی دروغ دانستن این احادیث توسط ابن تیمیه خود دلیل بر حقیقت این شواهد و برتری امیرالمؤمنین علیه السلام بر دیگران است.

کوتاه سخن این که اگر عالم بودن به اصول و فروع و توانایی در برپا نمودن دلیل و برهان و برطرف کردن شبهه ها نخستین شرط مورد اتفاق بین مسلمانان برای امامت است و باید این شرط در آن کسی که او را به عنوان امام برمی گزینند باشد، ما این شرط را در هیچ کس جز علی بن ابی طالب علیهما السلام نیافتیم.

حال اهل سنت در مقابل این دلیل ها چه حدیثی را در حق ابوبکر روایت کرده اند؟ آن ها فقط حدیثی را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده اند که فرمود:

ما صبَّ الله فی صدري شيئاً إلا وصبته فی صدر أبي بكر؛

آن چه خدا در سینه من قرار داد به سینه ابوبکر انتقال دادم.

اگر این حدیث، صحیح است، پس چگونه ابن حزم می گوید: ابوبکر مسائل زیادی را نمی دانست و به دیگران مراجعه می کرد و یا در امر قضاوت، نادانی خود را آشکار می ساخت و برای حلّ مشکل از دیگران مدد می گرفت.

افزون بر این که ابن جوزی این حدیث را در کتاب الموضوعات آورده و با صراحت گفته است که این حدیث دروغ است. ۸. البته ما جز این حدیث، حدیث دیگری را درباره ابوبکر و مقام علمی او نیافتیم. حالا شما چگونه حکم می کنید؟ خداوند متعال می فرماید:

(فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟) ۹

شما را چه می شود؟ چگونه داوری می کنید؟ ۱. الاستیعاب: ۳ / ۱۱۰۳، الرياض النضرة: ۲ / ۱۶۱.

۲. فیض القدیر: ۴ / ۳۵۷.

۳. فیض القدیر: ۴ / ۳۵۷.

۴. زین الفتی فی شرح سورة هل أتى: ۱ / ۳۱۸ حدیث ۲۲۵.

۵. منهاج السنّه: ۴ / ۲۲۵.

۶. همان: ۴ / ۲۱۶.

۷. همان: ۴ / ۷۳ و ۲۱۹.

۸. الموضوعات: ۱ / ۳۱۹، الأسرار المرفوعه فی الأخبار الموضوعه: ۴۵۴.

۹. سوره یونس: آیه ۳۵.

دوم. شجاعت و دلیری

دوم. شجاعت و دلیری

دومین شرط و صفتی که اهل سنت در امام لازم می‌دانند شجاعت و دلیری اوست. صاحب شرح المواقف می‌گوید:

این شرط بدین جهت لازم است که امام قدرت و توانایی کافی را داشته باشد تا از مملکت و کیان اسلام دفاع کرده و در جنگ‌ها با شجاعت و دلاوری، اساس اسلام و دین را حفظ کند.

با مراجعه به روایات و صفحات تاریخ به خوبی روشن می‌شود که چه کسی در جنگ‌ها در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌جنگید و با شهادت از دین خدا حمایت می‌کرد و هرگز جبهه جنگ را ترک نمی‌کرد.

آری، این امیرالمؤمنین علیه السلام بود که بنا بر باور شیعه و سنی شجاع‌ترین مردم بود و اساس و پایه‌های ایمان، به شمشیر او محکم و استوار گردید. پرچم اسلام در تمام جنگ‌ها به دست او برافراشته می‌شد و هیچ‌گاه از صحنه نبرد عقب‌نشینی نمی‌کرد و در هیچ جنگی دیده نشد که از میدان مبارزه و نبرد فرار کند؛ بلکه همواره برای دفاع از اسلام از جان خود می‌گذشت و با تمام وجود از رسول خدا صلی الله علیه و آله حمایت می‌کرد.

به جرأت می‌توان گفت که فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌های حضرت علی علیه السلام آن قدر فراوان است که از حد گفتن و روایت کردن گذشته است؛ بلکه باید با نگاهی عمیق ببینیم که چگونه آن بزرگوار در جنگ‌هایی چون بدر، احد، خیبر، حنین و احزاب از جان خود می‌گذشت تا اسلام زنده بماند و به همین جهت تا به امروز هیچ‌کس نتوانسته است در شجاعت و دلاوری آن حضرت، شک و شبهه‌ای ایجاد کند.

سوم. عدالت و دادگری

سوم. عدالت و دادگری

همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم، صفت و شرط سومی که اهل سنت برای امام بیان کرده‌اند، عدالت و دادگری است. ما در این باره احادیث بسیاری داریم که مورد اتفاق میان مسلمانان است، اهل سنت نیز به صحیح بودن آن احادیث اعتراف دارند و تمام آن‌ها شهادت می‌دهند که عادل‌ترین مردم در میان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله علی بن ابی‌طالب علیهما السلام است. ما در این زمینه فقط به ذکر دو حدیث اکتفا می‌کنیم:

حدیث یکم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

كَفَى وَكَفَّ عَلِيٌّ فِي الْعَدْلِ سَوَاءً؛

دست من و دست علی در عدالت و دادگری یکسان است.

این حدیث را ابن‌عساکر در تاریخ مدینه دمشق، خطیب بغدادی در تاریخ بغداد، متقی هندی در کنز العمیال، صاحب‌الریاض النضره در مناقب العشرة المبشّره و دیگران روایت کرده‌اند. ۱

حدیث دوم. رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود:

يا علي! اخصمك بالنبوة ولا نبوة بعدى وتخصم الناس بسبع ولا يخصمك فيها أحد من قریش: أنت أولهم إيماناً بالله وأوفاهم بعهد الله وأقومهم بأمر الله وأقسمهم بالسوية وأعدلهم في الرعية وأبصرهم بالقضية وأعظمهم عند الله مزية؛

ای علی! تو در همه کمالات با من برابر هستی تنها مقام نبوت در تو نیست؛ چرا که بعد از من دیگر پیامبری نخواهد آمد. تو امتیازهایی داری که هیچ‌یک از قریش چنین نبودند؛ در میان آن‌ها نخستین کسی هستی که به خدا ایمان آوردی، در پیمانی که با خدا بسته‌ای باوفاترین آن‌ها هستی و در میان قریش تنها کسی هستی که فرمان خدا را اجرا می‌کنی، تو در تقسیم کردن اموال بهترین تقسیم‌کننده‌ها، در میان مردم عادل‌ترین آن‌ها، در امر قضاوت بیناترین مردم هستی و برتری تو در نزد خدا بس بزرگ و

باعظمت است.

این حدیث را ابونعیم اصفهانی در حلیه الاولیاء، ۲ نگارنده ریاض النضره و ابن عساکر نقل می‌کنند. ابن عساکر این روایت را از عمر بن خطاب نقل می‌کند که عمر می‌گوید: کَفَّوْا عَن ذِكْرِ عَلِيٍّ... آن گاه ابن عساکر این فراز از این حدیث را نیز نقل می‌کند. البته شما می‌دانید آن گاه که عقیل برادر حضرت علی علیه السلام در هنگام تقسیم بیت المال، مال بیشتری را طلب کرد، آن حضرت چگونه عدالت را حتی در برخورد با برادرش انجام داد و جریان های دیگری که در کتاب های اهل سنت نیز آمده است که همه آن ها حاکی از عدالت آن حضرت است و ما به جهت طولانی نشدن بحث از ذکر آن ها خودداری می‌کنیم. ۱. تاریخ مدینه دمشق (شرح حال علی علیه السلام): ۲ / ۴۳۸، حدیث ۹۴۵ و ۹۴۶، تاریخ بغداد: ۸ / ۷۷، در این منبع آمده است: «یدی وید علی فی العدل سواء»، کنز العمال: ۱۱ / ۶۰۴، حدیث ۳۲۹۲۱، ریاض النضره: ۲ / ۱۲۰، در این منبع آمده است: «كَفَّى وَكَفَّ عَلِيٌّ فِي الْعَدْلِ سَوَاءً».

۲. حلیه الاولیاء: ۱ / ۶۵.

دیدگاه ابن تیمیّه

دیدگاه ابن تیمیّه

در چنین مواردی که هیچ تردیدی نیست، کسانی هم چون ابن تیمیّه تشکیک می‌کنند. برای نمونه سخنان او را در پاسخ علامه حلّی ملاحظه کنید. وی در پاسخ علامه حلّی که می‌گوید: «علی بن ابی طالب علیهما السلام شجاع ترین مردم است» می‌نویسد: این سخن دروغ بوده و حقیقت ندارد؛ چرا که شجاع ترین مردم رسول خداست. ۱.

حال ما در پاسخ او می‌گوییم: آیا بحث ما درباره شجاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؟

آیا کسی در شجاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شک دارد؟

بحث ما درباره خلیفه و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله است که آیا علی بن ابی طالب علیهما السلام است یا ابوبکر؟ آیا

علی بن ابی طالب علیهما السلام شجاع ترین مردم است یا ابوبکر؟

سخن ما در مسأله امامت و شرایط آن است که یکی از شرط های لازم و مورد اتفاق بین مسلمانان شجاعت امام است، حال ما می‌خواهیم بدانیم این صفت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله در چه کسی وجود داشته است و همگان شجاع ترین مردم را چه کسی می‌دانند؟

ملاحظه می‌کنید که چگونه ابن تیمیّه بحث را به بیراهه می‌کشاند و مغالطه می‌کند؟ به راستی چرا او مغالطه می‌کند؟ البته علت آن معلوم است؛ زیرا پاسخی برای این پرسش ندارد؛ چرا که خود ابن تیمیّه و دیگر عالمان اهل سنت می‌دانند که ابوبکر و عمر در بیشتر جنگ ها از صحنه نبرد فرار می‌کردند و آن دو هرگز در راه خدا نتوانستند حتی یک نفر را به قتل برسانند.

علامه حلّی رحمه الله در جایی دیگر می‌گوید: علی بن ابی طالب علیهما السلام دشمنان خدا را با شمشیرش کشته است.

ابن تیمیّه در پاسخ چنین می‌گوید: این که گفته شده «علی بن ابی طالب دشمنان خدا را با شمشیر خود کشته است» شکی نیست که او فقط بعضی از کفار را کشته است!

به راستی آیا علامه حلّی رحمه الله گفته است که علی علیه السلام عده ای از کفار را به قتل رسانده است. علامه نیز همین بوده که علی علیه السلام عده ای از کفار را به قتل رسانده است.

ابن تیمیّه در جای دیگری می‌گوید: کسانی که در جنگ ها به شجاعت مشهور بودند هم چون: عمر، زبیر، حمزه، مقداد، ابوطلحه، براء بن مالک و دیگران نیز عده زیادی از کفار را با شمشیر به قتل رسانده اند.

اگر کسی از ابن تیمیّه پرسد: کافرانی که به دست عمر کشته شده اند کدام گروه از کفار هستند؟ در پاسخ چنین می گوید: قتل گاهی با دست انجام می شود، همان گونه که علی می کشت و گاهی نیز به وسیله دعا صورت می گیرد.

وی در کتاب منهاج السنّه تصریح کرده است که عمر گروهی از کفار را با دعا به قتل رساند و این هیچ مانعی ندارد! و آن گاه که از شجاعت ابوبکر از او سؤال می کنیم چرا که دومین شرط امام، شجاعت اوست؟ در جواب - بدون کم و زیاد - چنین می گوید:

اگر شجاعتی که از پیشوایان پسندیده است قوت قلب و شجاعت باطنی باشد پس شکی نباید کرد که شجاعت ابوبکر از عمر بیشتر است و عمر نیز از عثمان، علی، طلحه و زبیر شجاع تر است چرا که ابوبکر در جنگ بدر با پیامبر در عریش ۲ به سر برد. ۳ بنابراین شجاعت ابوبکر به قوت قلب اوست و او با همین قوت قلب در میدان های رزم و مبارزه پیکار می کرد. پس شجاعت دو معنا دارد:

۱. شجاعتی که هر عرب زبانی معنای آن را می فهمد؛

۲. شجاعت دیگر به معنای قوت قلب است و ابوبکر چنین شجاعتی را دارا بود!

آری، ابن تیمیّه شجاعت ابوبکر و عمر را چنین بیان می کند و جوابی می دهد که شما در هیچ کتابی آن را ندیده و نخواهید دید. او عمر را انسانی مبارز و جنگجو قلمداد می کند زولی می گوید که قدرت او در بازو و بدنش نبود بلکه به وسیله دعا کردن با دیگران می جنگید و همان گونه که پیکار و نبرد به وسیله دست و قدرت بدن انجام می شود به وسیله دعا کردن نیز صورت می پذیرد!

ابن تیمیّه ابوبکر را نیز انسان شجاعی می داند زولی همان شجاعت قلبی که در پیشوایان پسندیده است و می گوید که شجاعت او به قوت قلب اوست. اما علی شجاعت جسمی داشت زولی از این شجاعت باطنی محروم بود و بهره ای نداشت.

با پاسخ های پوچ و بی اساس ابن تیمیّه یقین می کنیم که استدلال های ما، درست است و در غیر این صورت باید برای معنای پیکار و جنگیدن در راه خدا معنای دیگری بیابیم و بگوییم که دعا کردن نیز خود نوعی جنگیدن در راه خداست! علاوه بر این که اگر آن دو نفر شجاعت باطنی و قوت قلب داشتند پس چرا در جنگ ها فرار می کردند؟

هیچ شکی نیست که ابوبکر و عمر در جنگ احد صحنه نبرد را خالی نموده و فرار کردند. این مطلب چنان قطعی است که پیشوایان اهل سنت نیز به آن اعتراف دارند زکسانی چون ابوداود طیالسی، ابن سعد نویسنده الطبقات الکبری، ابوبکر بزّار، طبرانی، ابن حبان، دارقطنی، ابونعیم اصفهانی، ابن عساکر، ضیاء مقدسی و دیگر بزرگان اهل سنت این حقیقت را در کتاب هایشان آورده اند. ۴ ابوبکر و عمر در جنگ خیبر نیز فرار را بر ماندن ترجیح دادند. این خبر را احمد بن حنبل، ابن ابی شیبّه، ابن ماجه، بزّار، طبری، طبرانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ضیاء مقدسی، هیثمی و جمع زیادی از اهل سنت ذکر کرده اند. متقی هندی در کنز العمال خبر فرار آن ها را از همه کسانی که نام بردیم روایت می کند. ۵

حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین حدیثی را به سند صحیح روایت کرده که ابن عباس گوید: در جنگ حنین تنها کسی که از میدان کارزار فرار نکرد و در کنار پیامبر خدا صلی الله علیه وآله می جنگید علی بن ابی طالب علیهما السلام بود. ۶ در جنگ خندق نیز حماسه آفرینی علی علیه السلام معروف است. در این نبرد بود که رسول خدا صلی الله علیه وآله آن سخن معروف را فرمود:

لضربه علی فی یوم الخندق أفضل من عبادة الثقلين؛ ۷

یک ضربه علی در جنگ خندق بر عبادت جن و انس برتری دارد.

یا این که حضرتش فرمود:

لضربة علی فی يوم الخندق أفضل من عبادة الأمة إلى يوم القيامة ۸

یک ضربت علی در جنگ خندق از عبادت تمام امت تا روز قیامت بهتر و برتر است. ۱. منهاج السنه: ۴ / ۲۵۵.

۲. عریش: هر پوششی که سایه افکند، سایه بان فرهنگ فارسی معین: ۲ / ۱۵۸۷.

۳. منهاج السنه: ۴ / ۲۵۶.

۴. ر.ک: کنز العمال: ۱۰ / ۴۲۴.

۵. همان: ۱۰ / ۴۶۱.

۶. المستدرک علی الصحیحین: ۳ / ۱۱۱.

۷. شرح المواهب اللدئیة: ۸ / ۳۷۱.

۸. المستدرک علی الصحیحین: ۳ / ۳۲.

چکیده سخن

چکیده سخن

پیش تر گفتیم که با توجه به منابع اهل سنت برای امام سه ویژگی لازم و ضروری است: علم، شجاعت و عدالت.

همه مسلمانان درباره این سه ویژگی اتفاق نظر دارند و بر این باورند که کسی که مردم او را به عنوان جانشین پیامبر و امام بعد از او اختیار می کنند باید این سه ویژگی را دارا باشد تا صلاحیت رهبری مردم را داشته باشد و اگر یکی از این ویژگی ها در او نباشد، چنین کسی لایق این مقام نخواهد بود.

در میان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله این کمالات و فضایل را تنها در وجود علی بن ابی طالب علیهما السلام می بینیم و این سه ویژگی در وجود هیچ کس غیر از ایشان دیده نشده است.

اگر فرض کنیم و بگوییم ابوبکر و عمر نیز از این ویژگی ها بهره مند بوده اند، ما با دلیل های روشن و واضح و با اعتماد بر کتاب های معتبر اهل سنت ثابت می کنیم که علی علیه السلام عالم ترین، شجاع ترین و عادل ترین مردم در میان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است و با اثبات برتری آن حضرت بر دیگران، عقل حکم می کند که علی بن ابی طالب علیهما السلام از همه امت برای امامت و رهبری سزاوارتر است. خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید:

(أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي؟) ۱

آیا کسی که به حق هدایت می کند برای پیروی شایسته تر است یا آن کس که هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟

حال اگر کسی به احکام و مسائل شرعی جاهل بوده و حتی از یک حکم فرعی نیز آگاه نباشد و برای نمونه اگر نداند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نماز عید فطر و یا عید قربان چه سوره ای را می خواندند، آیا می توان این شخص را در جای پیامبر قرار داد و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله خواند؟

آیا چنین کسی قدرت دارد با دلیل های روشن و واضح از دین و شریعت خاتم الانبیاء دفاع کند و در برابر شبهه هایی که از ملت ها و آیین های مختلف مطرح می شود پاسخ گو باشد؟ پس آنان را چه می شود؟ چگونه داوری می کنند؟ ۱. سوره یونس: آیه ۳۵.

سخن پایانی، ترجیح مفضول بر فاضل!

سخن پایانی، ترجیح مفضول بر فاضل!

عقل هر انسانی حکم می‌کند که مقدم کردن غیر عالم بر عالم قبیح و ناپسند است. بنابراین فردی مانند ابن تیمیه چون این حکم عقل را پذیرفته و در کتاب منهاج السنه چندین مرتبه بر این امر تأکید کرده است، چاره‌ای ندارد که به امامت حضرت علی علیه السلام ملتزم شود زیرا این حکم عقل انکارناپذیر است. از این رو ناگزیر شده احادیثی را که از جهت سند قطعی و یقینی بوده، دروغ و بی‌اساس بدانند. او ناچار است به دروغ‌گویی روی آورد گرچه این حدیث در کتاب‌های معتبر اهل سنت هم چون صحیح بخاری و صحیح مسلم با سندهای صحیح و قطعی آمده باشد. وی جز این که از اصل، چنین احادیثی را انکار کند راه دیگری ندارد زیرا دشمنی او با امیرالمؤمنین علیه السلام وی را از اعتراف به حق و ملتزم شدن در برابر آن باز می‌دارد.

ولی ما این حقایق را با استدلال کامل بیان می‌کنیم، امید است بعضی از کسانی که کورکورانه از او تقلید می‌کنند به سوی حق باز گردند یا حجت بر آن‌ها تمام شود تا آن‌ها که هلاک و گمراه می‌شوند از روی حجت و دلیل باشد.

آری، کسانی که صحیح بودن این احادیث اعتراف دارند، ولی تقدیم غیر عالم را بر عالم قبیح نمی‌دانند! بنا بر این کسانی که به امامت ابوبکر و عمر اعتقاد دارند، دو گروه هستند:

گروه نخست: کسانی که تقدیم فرد ناآگاه را بر انسان آگاه قبیح نمی‌دانند، ولی تمام احادیث و روایات را قبول دارند که فضل بن روزبهان از این گروه است.

گروه دوم: کسانی که این حکم عقلی را قبول دارند، ولی روایاتی را که به سندهای صحیح وارد شده دروغ می‌دانند همانند ابن تیمیه که همه احادیث را رد کرده است.

فضل بن روزبهان و ابن تیمیه استدلال‌هایی را که علامه حلی رحمه الله بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام آورده رد کرده و هر کدام راهی را انتخاب کرده‌اند.

ابن روزبهان هم چون ابن تیمیه ناگزیر به تصرف‌های قبیح و ناپسند نمی‌شود. وی می‌گوید: واجب نیست که امام بر دیگران برتری داشته باشد، بلکه اگر فردی نادان بر انسان دانا مقدم شود قبیح نخواهد بود و با این سخن، حکمی کرده است که از ابتدای آفرینش جهان تا روز رستاخیز هیچ صاحب عقلی چنین حکم نمی‌کند.

از آن طرف ابن تیمیه مطابق این حکم عقلی سخن گفته، ولی تمام روایات صحیح را دروغ دانسته و معنای شجاعت، کشتن و جنگیدن در راه خدا را تغییر داده است.

با مراجعه به کتاب‌های مواقف، شرح‌المواقف، شرح‌المقاصد و دیگر کتاب‌های اهل سنت روشن می‌شود که همه آن‌ها پریشان شده و به آن چه می‌گویند علم ندارند و ندانسته حکم می‌کنند. گاهی تقدیم غیر عالم بر عالم را قبیح می‌دانند و این احادیث را صحیح می‌شمارند و گاهی در این حکم تردید کرده و گویا نمی‌دانند که این قاعده عقلی قبیح است یا نه. از این رو بحث را به حال خود رها می‌کنند.

اکنون سخن قاضی ایجی صاحب کتاب‌المواقف را نقل می‌کنیم تا روشن شود که چگونه در این مسأله پریشان حال و سرگردان شده و سکوت اختیار کرده است. نه این حکم را قبیح می‌داند و نه آن را رد می‌کند، ولی ما می‌دانیم علت سرگردانی او این است که به آن چه می‌گوید علم ندارد و ندانسته سخن می‌گوید.

وقتی از قاضی ایجی سؤال می‌شود که درباره برتری علی علیه السلام بر ابوبکر چه فتوایی دارد؟ و آیا ابوبکر را بر علی بن ابی طالب مقدم می‌دارد یا نه؟

چنین پاسخ می‌دهد: تشخیص برتری یکی از این دو بر دیگری از عهده ما بیرون است و ما نمی‌توانیم به این امر پی ببریم، ولی اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوبکر، عمر و عثمان را بر علی مقدم کردند و آن‌ها را بر علی برتری دادند، گمان نیکو به اصحاب پیامبر ما را به پیروی از روش ایشان دعوت می‌کند. ما این امر را به خدا واگذار می‌کنیم!

او با این پاسخ از بیان حقیقت فرار کرده و اصحاب را مسئول این امر می‌داند.

به قاضی ایچی باید گفت: با این پاسخی که شما داده اید دیگر بحث کردن در این مسأله سودی نخواهد داشت و نیازی نیست شما خود را به زحمت انداخته و این مطلب را در کتاب خود که از مهم ترین کتاب های علم کلام است بیاورید؛ بلکه از آغاز کلام باید بگویید که اصحاب چنین کردند، ما هم از آن ها پیروی کردیم و اعتقادمان طبق عمل آن هاست و خود نظری در این مسأله نداریم.

آری، روش آنان همواره این گونه است و «ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم»، «و کسانی که ستم کردند، به زودی خواهند دانست که به کدامین جایگاه باز می گردند» و صلوات خدا بر آقا و سرور ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او باد.

کتاب نامه

کتاب نامه

۱. قرآن کریم.

الف

۲. اتحاف السادة المتقين: زبیدی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۳. الإحكام فی اصول الأحكام: علی بن محمد آمدی، دار الکتب عربی، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۰۶.

۴. الإستیعاب: ابن عبدالبرّ، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

۵. أسد الغابه: ابن اثیر، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۶. الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعه: ملا علی قاری، المکتب الإسلامی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۶.

۷. أسنی المطالب فی أحادیث مختلفه المراتب: محمّد بن درویش الحوت بیروتی، مکتبه التجاریه الكبرى، مصر، چاپ یکم، سال ۱۳۵۵.

ب

۸. البدایه والنهایه: حافظ ابی فداء اسماعیل بن کثیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۸. ت

۹. تاریخ الخلفاء: جلال الدین سیوطی، از منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۱۰. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

۱۱. تاریخ جرجان: حمزه بن یوسف بن ابراهیم سهمی قرشی جرجانی.

۱۲. تاریخ مدینه دمشق: حافظ ابی القاسم علی بن حسن، معروف به ابن عساکر، دار الفکر، بیروت، سال ۱۴۱۵.

۱۳. ترجمه امیرالمؤمنین علیه السلام من تاریخ مدینه دمشق: حافظ ابی القاسم علی بن حسن، معروف به ابن عساکر، مؤسسه محمودی، بیروت.

۱۴. تذکره الحفاظ: ذهبی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.

۱۵. تفسیر الکشاف: زمخشری، شرکت مکتبه و مطبعه مصطفی بابی حلبی، مصر، سال ۱۳۸۵.

۱۶. تفسیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن): محمّد بن جریر طبری، دارالمعرفه، بیروت، سال ۱۴۱۲.

۱۷. تفسیر فخر رازی (تفسیر الکبیر): امام فخر رازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.

۱۸. تهذیب الآثار: محمّد بن جریر طبری، مطبعه مدنی، مؤسسه السعودیه، مصر، سال ۱۴۰۲.

۱۹. تهذیب الأسماء واللغات: نووی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

۲۰. تهذیب الکمال فی اسماء الرجال: جمال الدین ابی الحجاج یوسف مزی، مؤسسه الرساله، بیروت، لبنان، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۵.

ج

۲۱. جامع الأصول: ابن اثیر، دار الفکر، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

۲۲. الجامع الصغیر: جلال الدین سیوطی، دار الفکر، چاپ یکم، سال ۱۴۰۱.

ح

۲۳. حلیة الأولیاء: ابونعیم اصفهانی، دار الکتب علمیة، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.

د

۲۴. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیة، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۲۱. ر

۲۵. الرياض النضرة: محبّ الدین طبری، دار الکتب علمیة، بیروت، لبنان.

ز

۲۶. زین الفتی فی شرح سورة هل أتى: احمد بن محمد عاصمی، دار الکتب علمیة، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۸.

س

۲۷. سنن ترمذی: محمد بن عیسی بن سوره ترمذی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.

ش

۲۸. شرح المواقف: سید شریف جرجانی، از منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ یکم، سال ۱۴۱۲.

۲۹. شرح المواهب اللدنیة: قسطلانی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۳۰. شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۳۸۷. ص

۳۱. الصواعق المحرقة: ابن حجر هیتمی مکی، مکتبه القاهرة، قاهره، مصر.

ف

۳۲. فردوس الأخبار: شیرویه بن شهردار بن شیرویه دیلمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۸.

۳۳. فضائل امیرالمؤمنین علیہ السلام: احمد بن حنبل شیبانی.

۳۴. فیض القدر فی شرح الجامع الصغیر: مناوی، دار الکتب علمیة، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ک

۳۵. کنز العُمال: متقی هندی، دار الکتب علمیة، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۹.

م

۳۶. مجمع الزوائد و منبع الفوائد: حافظ نورالدین علی بن ابی بکر هیتمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۳۷. المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیشابوری، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۳۸. مشکاة المصابیح: خطیب تبریزی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۳۹. المعجم الکبیر: سلیمان بن احمد لخمی طبرانی، دار احیاء التراث، چاپ دوم، سال ۱۴۰۴.

۴۰. المناقب: ابن مغزلی، دار الأضواء، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۲۱۴.

۴۱. منهاج السنّة النبویة: ابن تیمیة حرّانی، مکتبه ابن تیمیة، قاهره، مصر، چاپ دوم، سال ۱۴۰۹.

۴۲. الموضوعات: ابن جوزی، دار الکتب علمیة، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

۴۳. نظم درر الشمطین: جمال الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی.

۴۴. نگاهی به حدیث منزلت: سید علی حسینی میلانی، مرکز تحقیق اسلامی، قم، چاپ یکم، سال ۱۳۸۷ ش.

Imamate of the Commander of the Faithful, Amir al-Mu'minin (peace be upon him), (۱۶)

Scaled by Intellect

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

